

ویژگی‌های مشاوره و مشاور از منظر دین

چکیده: امروزه، بیش از هر زمان دیگر، دانش‌پژوهان، طلاب و حتی مردم عادی با موضوع مشاوره در حوزه‌های مختلف نظری و کاربردی و در عرصه‌های گوناگون زندگی و با گرایش‌های متنوع و متعدد رفتاری، شناختی، روانی، تربیتی، تحصیلی، شغلی و... سروکار پیدا کرده‌اند. در آموزه‌های اسلامی نیز به دلیل جامعیت و همه‌جانبه بودن، به همه جنبه‌های زندگی توجه شده و در مسئله مشاوره و جایگاه آن نیز دستورات ارزشمندی ارائه گردیده است. مقاله حاضر می‌کوشد به اهمیت و جایگاه مشاوره در اسلام و ویژگی‌های مشاور، توجه نموده، این ویژگی‌ها را ارزیابی نماید.

کلیدواژه‌ها: مفهوم لغوی مشاوره، مفهوم اصطلاحی مشاوره، روان‌شناسی

معاصر، ویژگی‌های مشاور

* دانش‌آموخته حوزه علمیه و کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی.



هر انسان بالغ و عاقل و به‌هنجاری به‌طور طبیعی در پی کمال و موفقیت و بالندگی بیشتر در زندگی بوده، تلاش می‌کند تا به هدف و آرزویی که در حیات دنیوی خود دارد، نایل آید. از این‌رو سعی می‌کند از تمام استعدادها و توانمندی‌های خود بهره‌گرفته و با سخت‌کوشی به سرمنزل مقصود برسد. اما فراوان مشاهده می‌گردد که خیلی از افراد به هدف خود نرسیده، از طی کردن مراتب کمال و پیشرفت باز می‌مانند و چه بسا حسرت فراوان و افسوس زیادی هم بخورند که چرا چنین پیش آمد و ما شکست خوردیم.

شاید بتوان منشأ این ناکامی‌ها و شکست‌ها را در چند عامل خلاصه نمود:

الف. خطا و اشتباه بودن مسیری که پیموده‌اند؛ ب. واضح و مشخص نبودن هدف و مقصود؛ ج. عدم توجه به توانمندی‌ها؛ د. انتخاب و گزینش معیارهای نادرست. همه این عوامل می‌تواند ناشی از استبداد به رأی و خودمحوری باشد و اینکه خود را عقل کل تلقی کرده، بی‌نیاز از هم‌فکری، تبادل نظر و مشورت با دیگران بداند.

زندگی فراز و نشیب‌های فراوانی دارد و هیچ‌کس به تنهایی قادر به حل مشکلات و رفع موانع زندگی خود نیست. تنها می‌توان در سایه تعامل اندیشه و تضارب افکار و مشورت، راه سره را از ناسره جدا کرد. اگر با چشمانی باز و دقیق به اطراف خود و حتی به گذشته انسان‌ها و کشورها توجه کنیم، متوجه می‌شویم که اکثر اکتشافات، اختراعات و نظریه‌پردازی‌ها در زمینه‌های مختلف، محصول هم‌اندیشی، تعامل و بهره‌گیری از تجربه‌ها، ایده‌ها و نظرات دیگران، بوده است. اگر هر فردی تنها به خودش متکی باشد و از تجارب و اندیشه دیگران بهره‌نگیرد، نباید به شکوفایی و ترقی زیاد، چندان امیدوار باشد.

دین اسلام به لحاظ جامعیت، بالندگی، سعادت‌بخشی و پویایی که در قوانین و آموزه‌های خود دارد به هم‌فکری و مشورت نیز توجه ویژه‌ای دارد و در تمام عرصه‌های زندگی به استفاده از تجارب و اندیشه و رأی دیگران سفارش کرده است. در این مقاله ابتدا به معنای مشاوره در لغت و اصطلاح پرداخته، سپس مقایسه‌ای اجمالی بین مفهوم مشاوره در اصطلاح روان‌شناسی با مفهومی که در آیات و روایات مورد استفاده قرار می‌گیرد، می‌گیریم، و در آخر به اهمیت مشاوره و ویژگی‌های مشاور از منظر دین می‌پردازیم.

معنای مشاوره در لغت

مشاوره و مشتقات آن، از قبیل تشاور و مشورت، به معنای استخراج و استنباط رأی صحیح است. بدین صورت که وقتی انسان خودش درباره کار یا مسئله‌ای اطلاع درست و نظر صحیحی ندارد، به دیگری مراجعه کند و از او نظر درست و محکم را بخواهد. (راغب، ۱۴۱۶، ص ۴۷۰)

در لغت‌نامه دهخدا واژه مشاوره چنین تعریف شده است: «کلمه مشورت و مشاوره در تداول فارسی‌زبانان به کسر «واو» و «را» تلفظ می‌شود، ولی تلفظ صحیح آن مشاوره به فتح «واو» و «را» است، واژه‌ای عربی از ریشه شَارَ یَشیرُ به معنای بیرون آوردن، آراستن و رأی زدن است.» (دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۲، ج ۱۲، ص ۱۸۴۷۸)

مشاوره همچنین در مفهوم جدید و حرفه‌ای آن ترجمه واژه انگلیسی Counseling از ماده Counsel به معنای پند، نصیحت، راهنمایی و پیشنهاد است. (جعفری، محمد رضا، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۵۱)

مفهوم مشورت در اسلام

در قرآن کریم مجموعاً سه بار کلمات هم خانواده مشورت ذکر شده است و به معنای توافق و هم‌رایی، اهتمام به جلب نظر و رأی مردم در مسائل حکومتی و عاملی از مجموعه عوامل مؤثر در تشکیل یک جامعه سالم بکار رفته است. (بقره / ۲۳۳؛ آل عمران / ۱۵۹؛ شوری / ۳۸)

در احادیث و روایات هم مشاوره عمدتاً به معنای گفت‌وگو و تبادل نظر با افراد صاحب‌نظر و خردمند و استفاده از رأی و نظر آنان در تصمیم‌گیری‌های مهم و دشوار آمده است. نمونه‌ای از این روایات را در مباحث آینده می‌آوریم.

مشاوره در روان‌شناسی

برای مشاوره تعاریف اصطلاحی متعددی ارائه شده است. به اعتقاد بورکس^۱ و استفلر^۲: «مشاوره به رابطه حرفه‌ای بین یک مشاور آموزش‌دیده و مراجع دلالت دارد. این رابطه

1. Borks.

2. Stofflre.



برای کمک کردن به مراجعان جهت درک و روشن کردن نظرات آنها در مورد محیط زندگی خود و یاد دادن راه رسیدن به اهداف انتخاب شده فردی - از طریق انتخاب راه‌های سنجیده و با معنای فردی و حل مشکلات هیجانی و میان فردی - برگزار می‌شود. « رابرت گیبسون^۳ و میشل^۴ نیز مشاوره را این گونه تعریف کرده‌اند: « مشاوره یک رابطه یاورانه دو نفری است که تکیه بر نیاز فرد به رشد و سازگاری و تصمیم‌گیری و حل مشکل دارد. (رابرت گیبسون و میشل، ۱۳۷۶، ص ۵۴)

انجمن روان‌شناسی آمریکا در سال ۱۹۸۱ حرفه مشاوره را با توجه به جنبه‌های عملی و قابلیت اجرایی آن، چنین تعریف کرد: « مشاوره یعنی کمک به مراجعین برای کسب مهارت‌های فردی - اجتماعی و تغییر و یا اصلاح این مهارت‌ها، توسعه و پیشرفت سازگاری و افزایش قابلیت انطباق آنان با تمنیات و خواسته‌های متنوع و متغیر زندگی، افزایش مهارت‌ها به منظور مقابله با مشکلات محیطی و بالاخره توسعه انواع قابلیت‌های آنان در حل مسائل، مشکلات و تصمیم‌گیری‌ها. » (ص ۶۵۲ - ۶۶۳)

با توجه به تعاریف ارائه شده درباره مشاوره و با توجه به الزامات آموزه‌های دینی در خصوص ویژگی‌های مشاور می‌توان گفت: مشاوره فرایندی فراتر از شور و مشورت ساده می‌باشد و مشاور می‌بایستی دارای ویژگی‌ها و صفات خاصی باشد و ملتزم به رعایت قواعد و قوانین لازم بوده و آنها را رعایت نماید. به بیان دیگر مشاوره فرایند پویایی است که طی آن مشاور براساس اصول روابط اسلامی و انسانی و با تکیه بر مهارت‌ها و توانمندی‌های خود به برقراری ارتباط با مراجع پرداخته، به وی کمک می‌کند تا مشکل و احیاناً کمبود اطلاعات خود را برطرف نماید.

با در نظر گرفتن تعاریف اصطلاحی که از مفهوم مشاوره از نگاه روان‌شناسی معاصر ارائه شده و با توجه به کاربرد مفهوم مشورت در متون دینی، این سؤال مطرح است که بین مفهوم مشاوره از نگاه دانش روان‌شناسی و مشاوره تخصصی با مفهومی که در روایات و آیات مورد استفاده قرار گرفته، چه ارتباطی وجود دارد؟

در پاسخ به این سؤال سه نوع تلقی و دیدگاه وجود دارد: یک تلقی این است که همه آنچه در روایات باب مشورت و مشاوره وارد شده، مرتبط با مشاوره به معنای فنی و علمی

1. Robert Gibson.

2. Mitchell.

امروز آن است. به عبارت دیگر، تمام کاربردهای واژه مشاوره در قرآن و سنت با مشاوره به معنای جدید و اصطلاحی آن مترادف است. تلقی و احتمال دیگر این است که مشورت و مشاوره در روایات و آیات با مشاوره اصطلاحی کاملاً متفاوت و بیگانه‌اند. تلقی و احتمال سوم این است که این دو مفهوم کاملاً بر هم منطبق نیستند، اما در عین حال با همدیگر ارتباط دارند و در بخش‌های زیادی بر هم انطباق پیدا می‌کنند. در تحلیل و تبیین این ادعا باید بر این نکته تأکید ورزیم که اولاً مفهوم شور و مشورت و مشاوره در روایات به لحاظ کاربرد، وجود مشکل به معنای روان‌شناختی نیست؛ البته وجود مشکل در اصطلاح روان‌شناختی لازم و ضروری نیست و چه بسا مشاوره برای کسب مهارت و اطلاعات کافی است، گرچه در موارد زیادی به خاطر وجود مشکلات به مشاور روان‌شناسی مراجعه می‌شود. ثانیاً، مشاوره و هم‌فکری در روایات، شامل مواردی می‌شود که افراد مشاوره‌کننده هم‌تراز هستند و یا یکی در سطح پایین‌تر است. ثالثاً، مفهوم مشاوره که در متون دینی به کار رفته است از مفهوم اصطلاحی آن، که در علم روان‌شناسی مطرح می‌باشد، عام‌تر بوده و شامل مسائل خانوادگی، اجتماعی، سیاسی و اخلاقی... هم می‌شود.

این شمولی است که در مفهوم مشاوره به معنای لغوی در متون دینی وجود دارد، در حالی که مفهوم مشاوره به معنای اصطلاحی آن، که رشته و فن خاص است، از هر سه لحاظ اخص است؛ زیرا اولاً مراجع از آن حیثی که به مشاور مراجعه کرده است، هم‌تراز با او نیست و می‌بایست مشاور از لحاظ علمی و تخصصی بر مراجعه‌کننده برتری داشته باشد و آگاهی و تسلط لازم را در رابطه با مشکل مراجع داشته باشد. ثانیاً به نحوی برای مراجع مشکل و نوعی بی‌پسندگی روانی و در هم تنیدگی روحی پدید آمده است، و ثالثاً این نوع مشاوره بیشتر ناظر به مشکلات شغلی، تحصیلی و روانی است. بنابراین براساس تلقی سوم مشاوره به معنای لغوی آن از سه جهت عموم و شمول دارد، ولی معنای اصطلاحی از هر سه جهت خاص است، اما اینکه کسی بگوید مشاوره به معنای خاص ماهیتاً با مشاوره به معنای عام متفاوت است، سخن درستی نیست؛ زیرا در هر دو از هم‌فکری و توانایی دیگری استفاده می‌شود و همچنین ویژگی‌هایی وجود دارد که می‌بایست هم در مشاوره لغوی و هم در مشاوره اصطلاحی وجود داشته باشد. به عبارت دیگر مشورت و مشاوره دو سطح دارد: در سطح نخست، همه انسان‌های سالم و عاقل در پیمودن طریق کمال و بهره بردن از توانمندی دیگران، نیاز به مشاوره دارند و یکی از



نشانه‌های خردمندی انسان این است که از اندیشه و خرد دیگران استفاده کند و همه انسان‌ها هر چقدر که عقلانیت‌شان بیشتر باشد، در مسائل مختلف نیاز به مشاوره دارند. در سطح دوم، عده‌ای هستند که نیاز ویژه و تخصصی‌تری به مشاوره دارند که با مشاوره‌های عام قابل حصول نیست. مثلاً مشکلاتی از قبیل ناخن جویدن، شب‌ادراری، فزون‌کنشی، اضطراب، وسواس شدید، توهم و... که این امور با مشورت‌های عمومی قابل حل نیست و در این گونه موارد بایستی به افراد خاص و کسانی که تخصص دارند، مراجعه شود، و فرایند درمانی، می‌بایست فرایندی علمی و حرفه‌ای باشد، که همان مشاوره به معنای مصطلح، و در واقع نوعی طبابت و درمان‌گری است.

خصوصیات و صفاتی که از منظر روایات در رابطه با مشاور بیان می‌شود، تمام سطوح مشاوره را شامل می‌گردد و اگر مشاوره‌ای بخواهد اصولی و صحیح باشد، می‌بایست واجد همه شرایط بیان شده در روایات باشد (حتی مشاوره اصطلاحی). در این قسمت از مقاله به اهمیت مشاوره و خصوصیات مشاور از نگاه دینی می‌پردازیم:

اهمیت مشاوره و مشورت در اسلام

در آموزه‌های حیات‌بخش اسلام به موضوع مشورت و هم‌فکری، اهمیت ویژه‌ای داده شده و حتی به کامل‌ترین مخلوق الهی، یعنی پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد (ص) نیز توصیه می‌شود که در امور عمومی مسلمانان که جنبه اجرایی دارد و در مسائل سیاسی و اجتماعی مشورت کند. پیامبر گرامی اسلام نیز به این دستور الهی ملتزم بوده، گاهی از رأی خود برای احترام آنها، صرف نظر می‌نمود. نمونه عینی آن در جنگ احد بود. حتی می‌توان گفت: یکی از عوامل موفقیت پیامبر (ص) در پیشبرد اهداف اسلامی همین موضوع بوده است.

اصولاً مردمی که کارهای مهم خود را با مشورت و صلاح‌اندیشی یکدیگر انجام می‌دهند و صاحب‌نظران آنها به مشورت می‌نشینند، کمتر گرفتار لغزش می‌شوند و بیشتر کارهای آنان قرین موفقیت و سلامتی بوده و بالندگی قابل قبولی دارند. پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: فمن استشار منهن لم یعدم رشداً؛ «کسی نیست که با دیگران مشورت کند و به سوی رشد و کمال هدایت نشود.» (سیوطی، جلال‌الدین، ۱۴۱۴، ص ۳۵۹)

حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) می فرماید: هر که با خردمندان مشورت کند، به نور خردهای آنان روشنی یابد و به راه راست و رستگاری فایز گردد. (غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، ص ۶۷۰)

افرادی که گرفتار استبداد رأی هستند و خود را بی نیاز از افکار دیگران می دانند، هر چند از نظر فکری و تعقل، فوق العاده باشند، غالباً مبتلا به خطاهای بزرگ می شوند. حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) در این باره می فرماید: من استبد برایه هلك و من شاور الرجال شارکها فی عقولهم؛ «کسی که استبداد به رأی داشته باشد، هلاک می شود و کسی که با افراد بزرگ و صاحب اندیشه مشورت کند، در عقل آنان شریک می شود.» (نهج البلاغه، ترجمه ارفع، ۱۳۷۸، ص ۱۲۵۶)

همچنین فرمودند: مشورت عین راه باری است. آن کس که به فکر خود متکی گردد، خود را به مخاطره انداخته است (همان).

افراد مستبد علاوه بر اینکه خود را به خطر می اندازند، باعث می شوند پویایی و بالندگی اندیشه در توده مردم بی رونق شود و استعدادها و سرمایه های انسانی آنان از دست برود. سر اینکه خداوند متعال در آیه ۱۵۹ آل عمران می فرماید: ... و شاورهم فی الأمر...؛ «در کارها با مردم مشورت کن» این است که افکار و اندیشه های مردم به شکوفایی و پویایی برسد و در سایه مشورت و هم فکری بتوانند از عقل و اندیشه خویش بهره جسته، آن را بارور سازند.

در رابطه با تفسیر این آیه از ابن عباس نقل شده است:

وقتی این آیه نازل شد، پیامبر (ص) فرمود: آگاه باشید که خداوند و رسولش از مشورت بی نیازند، لکن خداوند آن را رحمتی برای امت اسلام قرار داده است. پس کسی که مشورت نماید، از ترقی و هدایت باز نمی ماند و کسی که مشورت را ترک کند، از گمراهی و ضلالتش کاسته نمی شود. (سیوطی، جلال الدین، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۳۵۹)

چنانچه افراد کارهای خود را بر اساس مشورت و هم فکری انجام دهند، کمتر گرفتار خطا و اشتباه می شوند و اگر به خطا هم گرفتار شوند، مورد مذمت و سرزنش قرار نمی گیرند؛ زیرا وظیفه خود را انجام داده اند و اگر اشتباهی رخ داده است، خطای دیگران بوده است، و اگر به پیروزی و موفقیت نایل آیند، کمتر مورد حسد واقع می شوند؛ زیرا دیگران پیروزی وی را از خودشان می دانند و معمولاً انسان ها نسبت به کاری که



خودشان انجام داده‌اند، حسد نمی‌ورزند. امام کاظم (ع) در این باره می‌فرماید: من استشار لم یعدم عند الصواب مادحاً وعند الخطاء عاذراً؛ «کسی که با دیگران مشورت کند، راهی را که می‌رود، چنانچه صحیح باشد مورد مدح و ستایش دیگران قرار می‌گیرد و اگر به نتیجه مطلوب نرسد، مورد سرزنش قرار نمی‌گیرد.» (مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳، ج ۷۲، ص ۱۰۴)

جامعه‌ای که از اندیشه و نظر آحاد مردم برخوردار باشد و از پشتوانه تجربی، تخصصی، خلاقیت و توانمندی‌های آنان بهره‌گیرد، به جامعه‌ای طیبه و پیشرفته تبدیل شده، افراد آن جامعه در راحتی و آسایش خواهند بود، و اگر غیر از این باشد، جامعه‌ای بدون نشاط، بی‌سامان و بی‌روح خواهد بود. پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد (ص) در حدیثی می‌فرماید: اذا کان امرؤ کم خیار کم و اغنیائکم سمعائکم و امرکم شوری بینکم فظهر الارض خیر لکم من بطنها؛ «زمانی که زمامداران شما برگزیدگان شما باشند و توانگران شما، سخاوتمند باشند، و کارهایتان با مشورت و هم‌فکری انجام گیرد، زنده ماندن برای شما بهتر [از مرگ] است.» (همان، ج ۷۴، ص ۱۳۹) یعنی در این عصر کارها بر وفق مراد بوده، انسان‌ها در حیات پاکیزه قرار دارند و امور زندگی بر اساس تدابیر حکیمانه اداره می‌شود. بخشی از شایستگی حیات در این دنیا متأثر از مشورت و هم‌فکری است. مولوی می‌گوید:

مشورت ادراک و هشیاری دهد	عقل‌ها مرعقل را یاری دهد
گفت پیغمبر بکن ای رایزن	مشورت، کالمستشار مؤتمن
مشورت در کارها واجب بود	تا پشیمانی در آخر کم شود
مشورت کن با گروه صالحان	بر پیمبر، امر شاور هم بخوان
امرهم شوری، برای این بود	کز تشاور سهو و کژ کمتر شود
کاین خردها چون مصابیح انور است	بیست مصباح از یکی روشن تر است

(مولوی، دفتر اول، ص ۵)

خصوصیات و صفات مشاور

کامل بودن و جامع بودن از ویژگی‌های منحصر به فرد دستورات اسلام بوده و در آموزه‌های آن به تمام ابعاد مسائل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، خانوادگی، حرفه‌ای و... اشاره شده است؛ به طوری که می‌توان برای تمام سؤال‌های مطرح در هر عصر و زمانی،

پاسخی دقیق و قانع کننده در آن یافت. این پاسخ‌ها و راهکارها از تتبع و اجتهاد در آیات و روایات و با بهره‌گیری از نعمت عقل، به دست می‌آید. مشاوره و نظرخواهی و هم‌فکری نیز که در دستورات دینی به آن توصیه‌ فراوان شده است، مشمول قوانین اسلامی بوده و شرایط و خصوصیات مشورت و مشاور در آن بیان گردیده است. در این قسمت از مقاله به شمه‌ای از دستورات دینی در زمینه خصوصیات مشاور اشاره می‌شود. مهم‌ترین ویژگی‌های مشاور از منظر اسلام عبارتند از:

۱. عاقل بودن

اندیشه و تعقل، یکی از اصلی‌ترین تکیه‌گاه‌های اسلام در امور دنیوی و اخروی انسان‌ها می‌باشد. از منظر این آیین ابدی، انسان حق ندارد آنچه را که عقل نادرست می‌داند، باور کند و به آن عمل نماید. عقل از نگاه دینی، حجت باطنی و یکی از هدیه‌های بزرگ الهی به انسان‌ها است که در سایه آن راه صحیح و صواب را می‌شناسند. اگرچه عقل به تنهایی این توانایی را ندارد تا انسان‌ها را به سر منزل کمال و سعادت و بهروزی برساند، ولی در پرتو شرع و دستورات دینی، این توانایی را حاصل می‌کند.

در منطق قرآن کریم، عقل به عنوان یکی از اسباب سترگ نجات و هدایت انسان معرفی شده و خردمندان مورد مدح و ستایش این کتاب جاودانه قرار گرفته‌اند: *الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ*؛ «آن کسانی که به سخن گوش می‌دهند و از بهترین آن پیروی می‌کنند، ایشانند کسانی که خدا هدایتشان کرده و اینان خردمندانند.» (زمر / ۱۸) این آیه شریفه افراد هدایت‌یافته را کسانی می‌داند که صاحب خرد و اندیشه هستند و در سایه خرد و تعقل می‌توانند گزینه‌های درست را انتخاب کرده، جزو هدایت‌یافتگان باشند. لذا با توجه به اینکه خرد و عقل جایگاه ویژه‌ای در ترقی و پیشرفت معنوی و مادی انسان دارد، در دستورات اسلامی به افراد توصیه شده تا با اشخاص عاقل مشورت کنند و از فکر و نظر آنان بهره‌گیرند و از مشورت کردن با افراد جاهل بپرهیزند.

امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید: *إِنَّ الْمَشُورَةَ لَا تَكُونُ إِلَّا بِحُدُودِهَا فَمَنْ عَرَفَهَا بِحُدُودِهَا وَالْأَكَاثِمَ مَضْرُوتَهَا عَلَى الْمَسْتَشِيرِ أَكْثَرَ مِنْ مَنَفَعَتِهَا لَهُ. فَأُولَئِكَ هُمُ الَّذِينَ يُشَاوِرُونَ عَاقِلًا...*؛ «مشورت شایسته نیست جز با رعایت حدود و شرایطش؛ چه در غیر این صورت



زیان آن برای مشورت‌کننده بیش از منافع و سودش خواهد بود. این شرایط عبارتند از: خردمند و صاحب‌نظر بودن مشاور...» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۲، ص ۱۰۲)

رسول گرامی اسلام (ص) نیز فرمودند: الحزم ان تستشير ذا الرأى و تطيع امره؛ «دوران‌دیشی عبارت است از مشاوره با عاقل و اطاعت از او.» (همان، ص ۱۰۵) در ادامه روایت می‌فرمایند: اذا اشار عليك العاقل الناصح فاقبل؛ «وقتی فرد عاقل خیر خواه به تو مشاوره داد، قبول کن.»

همچنین آن حضرت می‌فرمایند: مشاوره العاقل الناصح رشد و يمن، و توفيق من الله، فاذا اشار عليك الناصح العاقل فاياك و الخلاف فان في ذلك العطب؛ «مشورت کردن با عاقل خیر خواه، برکت، رشد و توفیقی از جانب خداوند متعال است. وقتی که مشاور عاقل و خیر خواه به تو توصیه‌ای کرد، نباید مخالفت کنی. در مخالفت و توجه نکردن، هلاکت و خسران است.» (همان، ص ۱۰۲)

حضرت علی (ع) نیز می‌فرمایند: من شاور ذوی الالباب دل على الرشد؛ «کسی که با صاحبان خرد مشاوره کند، به سوی رشد (سعادت) هدایت می‌شود.» (همان) در این دو روایت نورانی، چند نکته قابل توجه است: الف. لزوم مشورت با افراد خردمند و خیر خواه؛ ب. مشاوره با افراد خردمند سبب رشد، برکت، توفیق الهی و کمال است؛ ج. مخالفت با توصیه‌های مشاور عاقل، باعث خسران است. همچنین فرمودند: شاور ذوی العقول تامن الزلل و الندم؛ «با عاقلان مشاوره کن تا از لغزش و پشیمانی در امان بمانی.» (همان)

۲. دانش و تخصص

آموزه‌های دینی و سیره عقلا و اندیشمندان، برای تخصص و خُبرگی در شغل و حرفه مربوط و لزوم مراجعه به افراد صاحب نظر و خبره، جایگاه ویژه‌ای قائل بوده، آن را یکی از اصول مسلم عقلانی تلقی می‌کنند. اگر کسانی برای رفع مشکل و سؤال خود به افراد غیرمتخصص رجوع کنند، مورد سرزنش و مذمت قرار می‌گیرند و این سرزنش به این خاطر است که فرد جاهل و کسی که در رشته مربوط تخصصی ندارد، نه تنها توانایی حل مشکل را ندارد، بلکه بر میزان آن می‌افزاید و کار را بغرنج‌تر می‌کند.

قرآن کریم دستور می‌دهد انسان‌ها به افراد خبره و کاردان رجوع کنند: فسئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ؛ «از اهل اطلاع و خبره سؤال کنید اگر نمی‌دانید.» (نحل / ۴۲)

در تفسیر نمونه ذیل آیه مذکور می‌فرماید: ذکر به معنای آگاهی و اطلاع است و اهل ذکر مفهوم وسیعی دارد که همه آگاهان و اهل اطلاع را در زمینه‌های مختلف شامل می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۱، ج ۱۱، ص ۲۴۱)

مشاور نیز به لحاظ اینکه مورد مراجعه مردم است و می‌بایستی آنها را هدایت و راهنمایی کند، باید از علم و تخصص مربوط به آن مسئله برخوردار باشد؛ در غیر این صورت ضررش بیش از نفعش خواهد بود.

پیامبر گرامی اسلام (ص) در جنگ خندق، وقتی برای دفاع از مدینه با لشگریان و یاران خود مشورت نمودند، بیشتر به نظر سلمان فارسی که تجارب جنگی و تخصص جنگی داشتند، اهمیت دادند و در نهایت نیز نظر او را پذیرفته، اطراف مدینه را خندق کردند و بدین وسیله از ورود دشمن به مدینه جلوگیری نمودند.

۳. رازداری

یکی از اصول اخلاقی و تربیتی اسلام رازداری و فاش نکردن اسرار خود و دیگران است. چه بسا ممکن است کرامت انسانی فرد در صورت فاش شدن اسرار و رازهای نهانی‌اش لطمه ببیند و دیگران از این پیشامد و جریان، سوء استفاده بکنند. در دستورات اخلاقی و تربیتی دین اسلام توصیه شده که هرگز اسرار ویژه خود را، حتی به دوستان صمیمی خود نگوئید؛ زیرا ممکن است آنان روزی دشمن شما شوند.

حضرت امیرالمؤمنین (ع) در ضمن توصیه‌های اخلاقی و حکومتی که به مالک اشتر دارند، تأکید می‌کنند که تو به عنوان نماینده حکومت، بیش از هر کس سزاوار به حفظ اسرار مردم هستی. مردم به هنگام مشکلات و ناملازمات، با تو به افشای راز می‌پردازند و تو باید با حوصله کامل پای حرفشان بنشیننی و سنگ صبور و رازدار آنان باشی. (نهج البلاغه، ترجمه شهیدی، ۱۳۷۸، ص ۳۲۷)

حضرت آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر گران سنگ نمونه در ذیل آیات ۴ تا ۶

سوره یوسف می‌گویند:

از درس‌هایی که این بخش از آیات سوره یوسف به ما می‌دهند، درس حفظ

اسرار است که گاهی در مقابل برادران نیز باید عملی شود. در زندگی انسان

اسراری وجود دارد که اگر فاش شود ممکن است آینده او یا جامعه‌اش را با



خطر مواجه کند. خویشتن‌داری در حفظ اسرار و راز خود و دیگران یکی از نشانه‌های وسعت روح و قدرت اراده است. (مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۶۱، ج ۹، ص ۳۱۸)

حضرت امام علی بن موسی الرضا (ع) می‌فرماید: لا یكون المؤمن مؤمناً حتى تكون فيه ثلاث خصال: سنة من ربه، و سنة من نبيه و سنة من وليه. فاما السنة من ربه فکتمان السر، و اما السنة من نبيه فمداراة الناس، و اما السنة من وليه فالصبر فی البساء و الضراء؛ «مؤمن، مؤمن نخواهد بود، مگر اینکه سه خصلت داشته باشد: سنتی از پروردگار متعال و سنتی از پیامبر و سنتی از امام و پیشوا؛ اما سنت پروردگار کتمان اسرار است، اما سنت پیامبر مدارا با مردم است و اما سنت امام شکیبایی در برابر ناراحتی‌ها و مشکلات است.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۳۳۴)

مشاور به‌عنوان کسی که مورد اعتماد مردم و محرم اسرار آنان است، می‌بایست رازداری را در حد‌اعلای آن رعایت نماید؛ در غیر این صورت، هم مردم به او کمتر مراجعه و اعتماد خواهند کرد و هم اینکه افشای اسرار مراجعین چه بسا باعث درگیری‌ها، سوءظن‌ها و اختلافات گردد.

امام جعفر صادق (ع) در رابطه با رازداری مشاور می‌فرماید: ان المشورة لا تكون الا بحدودها... و الرابعة ان تطلع علی سرک فیکون علمه به کعلمک بنفسک، ثم یسر ذلک و یکتمه؛ «مشورت دارای حدودی است... چهارمین آن این است که اگر آگاه کنی مشاور را بر اسرار خودت، آگاهی او بر اسرار، مانند آگاهی خودت بر اسرار باشد.» (همان، ج ۷۲، ص ۱۰۲)

و علی (ع) فرمودند: المستشار مؤتمن؛ «مشاور امانت‌دار است.» (همان، ص ۱۱)

البته گاهی مشاور می‌تواند و یا حتی باید بتواند اسرار مراجع را فاش کند و آن مواقعی است که مراجع احتیاج پیدا می‌کند از متخصصین دیگر کمک بگیرد. در این صورت مشاور می‌بایست اطلاعات خود را در اختیار متخصصین مربوط قرار دهد تا آنان بتوانند با اطلاعات کافی در جهت حل مشکل او اقدام کنند.

۴. دینداری و تقوا

یکی از صفات پسندیده و ارزش‌های جاودانه و سعادت‌بخش، تقوا و دینداری است.

دینداری و رعایت حدود احکام الهی و تقید به دستورات شرع مقدس اسلام و پرهیز از گناهان (کوچک و بزرگ) از مسائلی است که نظیر و همتایی نمی‌توان برای آن یافت؛ چه اینکه این خصیصه باعث کمال دنیوی و اخروی انسان گردیده، کسی که آراسته به این گوهر گرانبها باشد، از بندگان مطیع پروردگار شمرده می‌شود. این التزام و پایبندی به دستورات خالق متعال باعث رشد مادی و معنوی انسان می‌گردد و او را از پرتگاه‌های خطرناک محافظت نموده، از فتنه‌ها دور می‌سازد. تقوا به مثابه یک نگهبان قوی و یک کنترل‌کننده مطمئن، جلو سرکشی و چموشی نفس اماره را سد کرده و صاحب تقوا را از هلاکت معنوی مصون می‌دارد و دریچه‌های نور و هدایت را به او می‌نمایاند. روایاتی که تقوا را توصیه می‌کند، به قدری فراوان است که در اینجا از ذکر آنها خودداری می‌کنیم.

در دستورات و آموزه‌های دینی سفارش شده که مشاور هم باید فردی دیندار و با تقوا باشد و به افراد توصیه شده با افراد دیندار و با تقوا مشاوره کنند؛ زیرا آنان اهل خیانت نبوده و براساس مصالح واقعی افراد قضاوت می‌کنند و در مشاوره و هم‌فکری با مراجعین، نه تنها مصالح دنیوی، بلکه مصالح اخروی آنها را نیز در نظر دارند و با دلسوزی و صداقت کامل، مشورت‌کننده را راهنمایی می‌نمایند. پیامبر گرامی اسلام (ص) در این رابطه می‌فرماید: *شاور المتقین الذین یؤثرون الآخرة علی الدنیا و یؤثرون علی انفسهم فی امورکم*؛ «با پرهیزکاران که آخرت را بر دنیا و کارهای شما را بر مصلحت خود ترجیح می‌دهند و ایثار می‌کنند، مشورت نمایید.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۲، ص ۱۰۳)

در حدیثی دیگر حضرت امام صادق (ع) فرمودند: *استشر فی امرک الذین یخشون ربهم*؛ «با کسانی که از خدا ترس دارند و مطیع پروردگارند مشورت کن.» (همان، ص ۱۰۰)

آراستگی به صفت تقوا باعث اعتماد بیشتر مراجع، نفع دنیوی و اخروی او، دلسوزی بیشتر از ناحیه مشاور، مصون بودن از انحراف و... است. در روایتی نورانی از امام صادق (ع) به این مطلب اشاره شده است: *استشر العاقل من الرجال الورع لانه لایامر الا بخیر، و ایاک و الخلاف، فان خلاف الورع العاقل مفسدة فی الدین و الدنیا*؛ «با افراد عاقلی که پرهیزگارند مشورت کن. به درستی که آنان جز به خیر و صلاح امر نمی‌کنند. و پرهیز کن از مخالفت با پرهیزگاران عاقل؛ زیرا باعث ضرر و خسران در دین و دنیایت می‌گردد.» (همان، ص ۱۰۱)



۵. صمیمی بودن

محبت و صمیمیت، بسیار نقش آفرین است؛ به طوری که می توان در پرتو آن نیروی جاذبه را قوی کرد، انسان ها را به وسیله آن به سوی حق و عدالت جذب نمود و ارتباطات را نیکو و با صفا کرد و اعتماد متقابل را تقویت کرده، افراد را به همدیگر خوش بین ساخت.

در دستورات و آموزه های دینی به این مفهوم (محبت) توجه ویژه ای شده است. در قرآن کریم در آیه ۲۹ سوره فتح می فرماید: محمد رسول الله و الذين معه اشداء على الكفار رَحْمَاءُ بَيْنَهُمْ؛ «محمد(ص) رسول خدا است و کسانی که با او هستند، در برابر کفار سرسخت و در میان خود مهربان و با محبت هستند.»

امیرالمؤمنین حضرت علی(ع) می فرماید: اشرف الشیخیم رعاية الود؛ «برترین خوی ها، رعایت کردن حریم دوستی و محبت است.» (انصاری، محمدعلی، بی تا، ج ۱، ص ۲۰۹)

حضرت علی(ع) همچنین در نامه ای به بعضی از عمال حکومت اسلامی چنین فرموده اند: واخفص للرعية جناحك و ابسط لهم وجهک و ان لهم جانبک؛ «بال های محبت را برای رعیت بگستران و با مردم گشاده روی و فروتن باش.» (نهج البلاغه، ترجمه فولادوند، ۱۳۸۰، ص ۳۷۵)

محبت و علاقه به همدیگر، تلخی ها را بی اثر می کند و بذر علاقه مندی و صفا را در دل ها می افشاند.

وز محبت مس ها زربین شود	از محبت تلخ ها شیرین شود
وز محبت سرکه ها مل می شود	از محبت خارها گل می شود
وز محبت دیو حوری می شود	از محبت نار نوری می شود

(مولوی، دفتر دوم، ص ۱۴۳)

اگر مشاور فردی با صفا و محبت باشد، افراد شیفته او می شوند و توصیه های او را به کار می بندند حتی اگر به کاری سخت و خوردن دارویی تلخ فرمان دهد. وقتی با او هم صحبت می شوند به لحاظ رابطه صمیمی که برقرار شده است، احساس آرامش می کنند و در پرتو این آرامش و صفا، کدورت ها، افکار منفی و مشکلات زندگی از آنها دور شده، دل های آنان نورانی می شود.

امام صادق (ع) می فرماید:

«مشاور باید دوست صمیمی باشد و اگر دوست صمیمی شد، سرّ تو را که بر او آشکار ساخته‌ای پنهان خواهد کرد.» (قمی، شیخ عباس، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۷۱۸) نیز فرموده‌اند: ان المشورة لاتكون الا بحدودها... و الثالثة ان يكون صديقاً مؤاخياً...؛ «مشورت شایسته نیست جز با رعایت حدود و شرایط... شرط سوم آن است که مشاور صادق و مهربان باشد...» (مجلسی، ج ۷۲، ص ۱۰۲)

۶. خیرخواهی

نصیحت و خیرخواهی به هم نوعان به‌ویژه برادران دینی، در فرهنگ اسلامی از اهمیت و جایگاه قابل توجهی برخوردار است و در دستورات اخلاقی اسلام به آن سفارش و تأکید فراوان شده است. در آموزه‌های دینی توصیه گردیده که افراد جامعه انسانی و اسلامی غمخوار هم‌دیگر باشند. امام صادق (ع) فرمودند: يجب للمؤمن على المؤمن ان يناصره؛ «بر مؤمن واجب است که مؤمن دیگر را نصیحت و خیرخواهی کند.» (کلینی، ۱۳۸۷، ج ۹، ص ۹۴) این وظیفه درباره مصلحین اجتماعی و انبیای الهی از اهمیتی مضاعف برخوردار است؛ به طوری که در قرآن کریم دعوت و تبلیغ انبیای الهی با واژه «نصیحت» و خود پیامبران با واژه «ناصح» معرفی شده‌اند.

قرآن مجید از زبان حضرت نوح (ع) چنین نقل می‌کند: ابلغکم رسالات ربی و انصح لکم؛ «پیام‌های پروردگارم را به شما می‌رسانم و اندرزتان می‌دهم.» (اعراف/۶۲)

حضرت هود (ع) نیز اعلام می‌کند:

ابلغکم رسالات ربی و انا لکم ناصح امین؛ «پیام‌های پروردگارم را به شما می‌رسانم و برای شما خیرخواهی امینم.» (همان/۶۷)

قوام نصیحت، به انگیزه‌های خیرخواهانه و خالص ناصح است. در استعمالات لغت عربی نیز این مضمون اشراب شده و به هر گفتار یا عملی که در آن خیر نصیحت شونده منظور شده باشد و معنای تصفیه کردن و خالص کردن باشد، اطلاق می‌گردد. «کلینی، ۱۳۸۷، ج ۹، ص ۹۴»

نصیحت و خیرخواهی، گستره وسیعی دارد و هرگونه گفتار و کردار خیرخواهانه را در بر می‌گیرد؛ ارشاد به مصالح دینی و دنیوی، کمک به اصلاح امور، جلوگیری از لغزش،



تنبیه در صورت غفلت و

خیرخواهی و نصیحت همچنین زبان خاصی نمی شناسد و ممکن است ناصح براساس تشخیص، گاهی از زبان انتقاد و گاهی از زبان تعریف و تمجید، برای رفع مشکل استفاده کند. امیرالمؤمنین علی (ع) انتقادهای و اعتراض های خود را نسبت به معاویه «نصیحت» دانسته و در نامه ای به او می نویسد: و اعلم ان الشيطان قد ثبطک عن ان تراجع احسن امورک و تاذن لمقال نصیحتک؛ «بدان که شیطان نمی گذارد که تو به نیکوترین کارهایت بپردازی و اندرزی را که به سود تو است بشنوی.» (نهج البلاغه، ترجمه فولادوند، ۱۳۸۰، ص ۴۱۳)

گاهی ممکن است نظر نصیحت کننده برای نصیحت شونده خوشایند نباشد؛ اما ناصح نباید خوشایند منصوح را در نظر بگیرد، بلکه باید مصالح واقعی منصوح را لحاظ کند. حضرت علی (ع) در وصیت خود به امام حسن مجتبی (ع) فرمودند: و امحض اخاک النصیحة، حسنة کانت او قبیحة؛ «برای برادرت نصیحت را خالص گردان، چه در نزد او نیکو باشد، چه زشت.» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۶، ص ۱۰۸)

مشاور نیز به عنوان کسی که مورد اعتماد و مشورت قرار می گیرد، می بایست خیرخواه و نصیحت کننده به صلاح و رستگاری واقعی باشد و منافع شخصی خود را هرگز در نظر نگیرد؛ بلکه مصالح مراجع را در نظر داشته باشد. امیرالمؤمنین علی (ع) در نامه ای به محمد بن ابی بکر می نویسد: وانصح المرء اذا استشارک؛ «وقتی کسی از تو مشورت خواست او را خیرخواه باش.» (مجلسی، ج ۷۲، ص ۹۹) امام صادق (ع) می فرمایند: شاور فی امورک مما یقتضی الدین من فیه خمس خصال: منها النصیح؛ «در مواردی که دین اقتضا می کند، با افرادی مشورت کن که پنج ویژگی داشته باشند؛ از جمله خیرخواهی.» (همان، ص ۱۰۳) پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد (ص) در روایتی علاوه بر اشاره به لزوم خیرخواهی مشاور، به فواید مشاوره با افراد عاقل خیرخواه نیز اشاره فرموده، می گویند: مشاوره العاقل الناصح رشد و یمن؛ «مشاوره با افراد عاقل و خیرخواه باعث رشد و برکت است.» (همان، ص ۱۰۲) در جای دیگر می فرمایند: اذا اشار علیک العاقل الناصح فاقبل و ایاک فی الخلاف علیهم فان فیه الهلاک؛ «وقتی مشاور عاقل و خیرخواه به تو نصیحتی کرد، قبول کن، که اگر مخالفت کنی در هلاکت و خسران گرفتار می شوی.» (همان، ص ۱۰۵)

۷. تواضع

در تعاملات اجتماعی و مناسبات انسانی فاکتورهای ویژه‌ای می‌توانند نقش آفرین باشند و در جذب دیگران، تأثیرات سترگی از خود نشان دهند. اگر شخصی با این فاکتورها آشنایی نداشته باشد و یا به این صفات آراسته نباشد، کمتر می‌تواند در دل دیگران اثر گذارد و قلوب آنان را تسخیر کند. از جمله این صفات و فاکتورهای ویژه، تواضع و فروتنی است. این ویژگی موجب تسخیر قلب‌ها و تمایل مردم به انسان و علاقه‌مندی آنها به او خواهد شد. اگر فردی فروتن و متواضع باشد، مردم پروانه‌وار به دور او جمع می‌شوند و به حرف‌هایش اعتماد می‌کنند.

امیرالمؤمنین حضرت علی (ع) می‌فرماید: *ثلاثة یوجبن المحبة: الدین و التواضع و السخاء* «سه چیز موجب محبت می‌شود: دین داری، فروتنی و بخشندگی.» (خوانساری، ۱۳۷۳، ص ۳۶۴)

این ویژگی در رابطه با افرادی که مورد مراجعه و نیاز مردم هستند، اهمیتی دوچندان داشته، جایگاه خاصی پیدا می‌کند. امیرالمؤمنین حضرت علی (ع) با توجه به این مطلب در اولین فقرات نامه خود به محمدبن ابی‌بکر، هنگامی که او را به حکومت مصر منصوب کردند، فرمودند: *فاخض لهم جناحک و ان لهم جانبک و ابسط لهم و جهک؛ «بال‌های محبت را بر آنان بگستران و با آنان متواضع و فروتن باش و با چهره گشاده رفتار کن.»* (نهج البلاغه، ص ۵۷۶)

تواضع و فروتنی آثار و پیامدهایی دارد که هر کدام از آنها در ایجاد تعامل بهینه با دیگران و مورد اعتماد بودن، نقش بسزایی دارد و اگر مشاور از این ویژگی برخوردار شود، کارش قرین موفقیت بوده، مشاور موفق خواهد بود.



۱. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
۲. ابن ابی الحديد، شرح نهج البلاغه، قم، مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۳. الراغب الاصفهانی، المفردات، بیروت دار السامیه، ۱۴۱۶ ق.
۴. جعفری، محمدرضا، فرهنگ نشر نو، تهران، دانشیار، ۱۳۷۸.
۵. خوانساری، جمال الدین، شرح غرر الحکم و درر الکلم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۶. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
۷. رابرت گیسون و میشل، مشاوره و روان درمانی، جمعی از مترجمین، تهران، انتشارات بعثت، ۱۳۷۶.
۸. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی تفسیر الماثور، قم، دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.
۹. قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، تهران، فراهانی، ۱۳۶۳.
۱۰. کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، تهران، المكتبة الاسلامیه، ۱۳۸۷ ق.
۱۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، دار الاحیاء التراث الاسلامیه، ۱۴۰۳ ق.
۱۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۱.
۱۳. مولوی، جلال الدین، مثنوی معنوی، خط میرخانی.
۱۴. نوری طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ ق.
۱۵. نهج البلاغه، ترجمه سید کاظم ارفع، تهران، فیض کاشانی، ۱۳۷۸.
۱۶. نهج البلاغه، ترجمه شهیدی، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸.
17. American Psychological Association, Comitte on Professional Standards (1981).
18. Speciality Guidelines for the delibery of Services by Counseling Psychologrsts. Acerican Psychologists vol: 36.